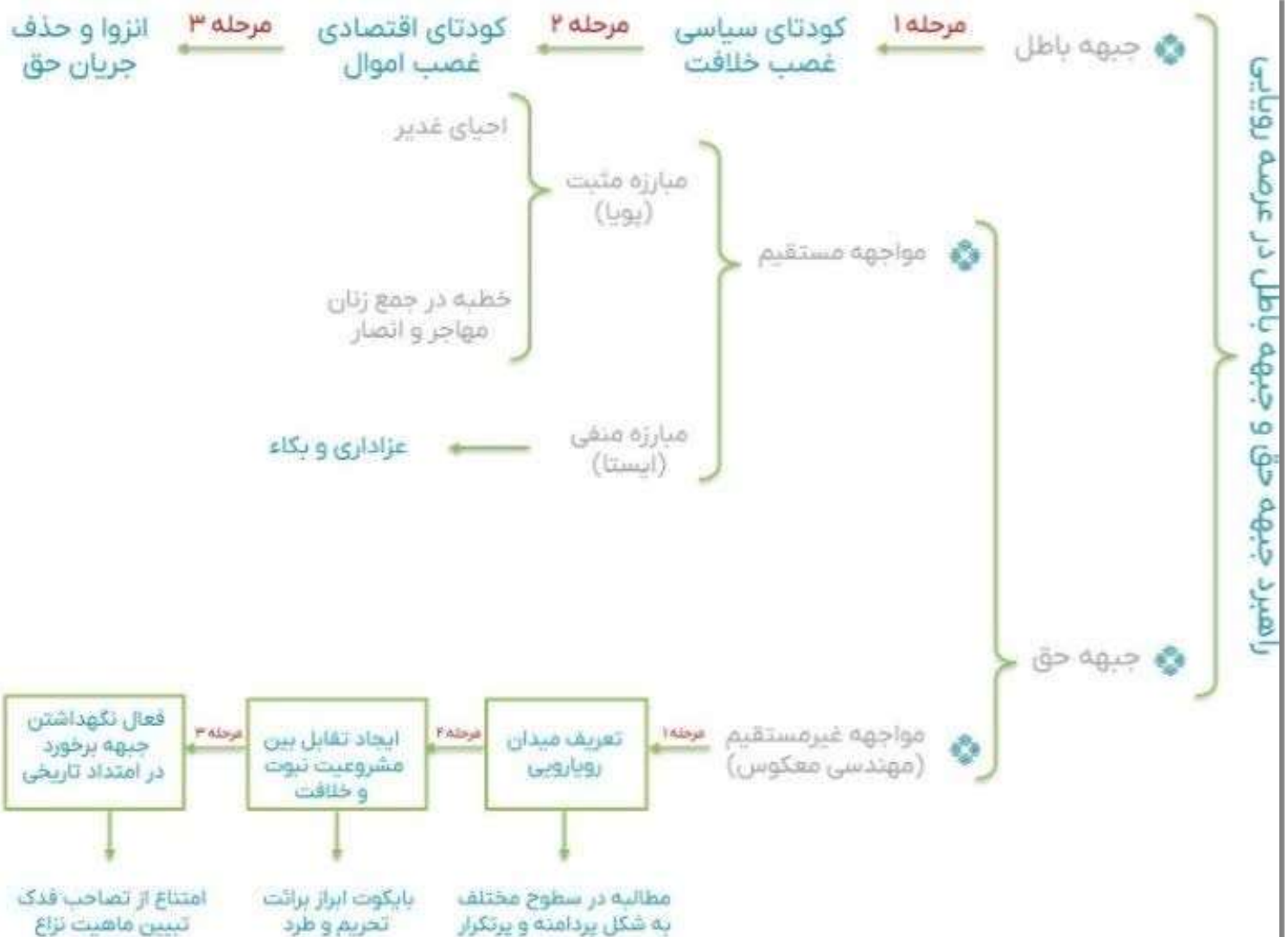


# بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه بیستم

جانمایی مسئله فدک و سایر حقوق و خطبه فدکیه در صحنه جبهه حق و باطل



در مورد جبهه باطل توضیحاتی داده شد، مرحله اول کودتای سیاسی و غصب خلافت بود، مرحله دوم کودتای اقتصادی و غصب اموال، ابن ابی الحدید در جلد ۱۴ صفحه ۲۳۶ نقل می‌کند و می‌گوید: آنها می‌خواستند بیت وحی را از مقابل خود بردارند و آن را مشغول کنند به معیشت روزانه، دستگاه غاصب در ابتدای مواجهه سعی وافری در همراه کردن افکار عمومی با خود داشت؛ در مورد مطالبات حضرت زهرا سلام الله علیها و توجیه ارث نرسیدن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسئله شهود و غیره، اما در مراحل بعد حتی توجیهی هم نمی‌آوردند که افکار عمومی را همراه خود کنند؛ مثل سهام خیبر و حوائط سبعة بدون هیچ منطقی برخورد کردند این نشانه اعمال خفقان در جامعه است که نیازی به همراهی افکار عمومی ندارد، خفقان تا جایی پیش رفت که به بیت وحی حمله کردند. در زمان ما نیز رژیم صهیونیستی در اوایل شکل‌گیری وارد سازمان ملل شدند و افکار عمومی را با خود همراه کردند تا دولت خود را موجه جلوه دهند و آن را تثبیت کنند ولی بعد از آن به هیچ قاعده‌ای ملتزم نیستند. غاصب وقتی غصبش به بار نشست و جایگاهی پیدا کرد، دیگر به هیچ قاعده و قانونی ملتزم نیست، در خود خطبه نیز که یک تقابل و نقطه کانونی این مسئله است، شخص خلیفه وقتی با حملات آتشین حضرت زهرا سلام الله علیها روبرو می‌شود در مرحله اول سعی می‌کند فضای عمومی جامعه را همراه کند و در مسجد در حضور مردم با رفتار حق‌جانب و لحن مودب و شایسته، خود را موجه نشان می‌دهد، ولی در مراحل بعد که با حملات طوفانی حضرت روبرو می‌شود ماهیت اصلی خود را رو می‌کند و مردم را رسماً تهدید به سرکوب می‌کند. در بعضی از گزارشات آمده: ابوبکر نمی‌پذیرفت ولی می‌گفت: «ما زندگی شما را تامین می‌کنیم و بیش از نیاز به شما می‌پردازیم.» از این جبهه‌گیری دو مسئله مد نظر بوده است؛ یکی اینکه مسئله، دعوای شخصی است و صورت مسئله را تنزل بدهند. دوم اینکه، با این مسئله که پیشنهاد می‌کند می‌خواهد عملاً بگوید: باید حاکمیت را به

رسمیت بشناسید و جیره خور حکومت باشید، اهل سنت این برخورد را حمل بر بزرگواری و کرامت خلیفه می‌دانند، در حالی که عین رذالت است، یعنی حاکم ما هستیم و شما باید روزی خور این دستگاه شوید.

مرحله سوم - انزوا و حذف جریان حق: با منابع مالی که از طریق غصب اموال حضرت به دست آوردند و تطمیع مردم، جریان حق را کاملاً به انزوا بردند؛ شاهدین این مطلب: ۱، مجموعه روایات ارتداد: بعد از پیامبر اکثر مردم مرتد شدند، ارتداد به معنای ارتداد از دین نیست، بلکه ارتداد از حقیقت. مردم بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و غصب خلافت، از نظر دین ظاهرسازی قوی داشتند و به ظواهر دین پایبند بودند اما آنچه از جامعه رخت بر بسته بود، حقیقت و روح و باطن دین بود. طبق آیه ۳۶ سوره نحل: اصول دین بر دو پایه استوار است ولایت الله و طرد ولایت شیطان یا همان تولی و تبری که حقیقت دین است. اگر در جامعه‌ای فریاد اسلام بلند است؛ ولی حاکمان آن ذیل ولایت شیطان حکومت می‌کنند، جامعه اسلامی محسوب نمی‌شود. در جامعه‌ای که حضرت علی علیه السلام در آن به انزوا کشیده شدند آن جامعه، جامعه اسلامی نیست، این کفر باطنی است نه کفر ظاهری. در روایات متعدد اصطلاح (ارتداد الناس) آمده، در کتاب اختصاص از شیخ مفید جلد یک صفحه چهارم از قول امام باقر علیه السلام آمده: «بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جز سه نفر همه مردم از حقیقت دین مرتد شدند؛ مقداد، ابوذر و سلمان؛ البته با گذشت زمان برخی دیگر از مردم هم بصیرت پیدا کردند و به جریان حق ملحق شدند.» در اختصاص از قول امام صادق آمده: «همانا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفتند مردم به آن کفر سابق عقب گرد کردند؛ به جز سه نفر بقیه مردم مرتد شدند؛ سلمان، مقداد و ابوذر.» فصل مشترک کفر بعد از ایمان و کفر قبل از ایمان این است که بعد از ایمان ظاهر خوب و موجهی دارد؛ ولی شیطان با ابزار دینی ولایت می‌کند، اما قبل از ایمان، ظاهر و باطن، ولایت شیطان بوده است. ۴۰

نفر از اصحاب، خدمت حضرت علی علیه السلام رسیدند و گفتند: ما مطلقاً سرسپرده هیچ کس غیر از شما نخواهیم شد. حضرت فرمودند: «ادعا و انگیزه شما برای این حرف چیست؟» آنها یوم غدیر را یادآوری کردند و گفتند: ولی و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شما هستید. حضرت فرمودند: «آیا با من هستید؟» گفتند: بله؛ حضرت دست به امتحان و ابتلا زدند و فرمودند: «فردا سرهایتان را بتراشید و بیایید.» بعد امام صادق فرمودند: «فقط آن سه نفر؛ سلمان، ابوذر و مقداد اجابت کردند و آمدند و عمار هم بعد از ظهر آمد (دیر آمد)، حضرت دستشان را روی سینه عمار گذاشتند و فرمودند: چه چیزی باعث شد شما از خواب غفلت بیدار نشوید؟ (یا اینکه چه چیزی باعث شد از خواب غفلت بیدار شوید؟) فرمودند: برگردید، من به شما نیازی ندارم، من از شما خواستم سرتان را اصلاح کنید، اجابت نکردید؛ پس چگونه در مواجهه با کوه های آهن از من اطاعت خواهید کرد؟» این سخن مربوط به امروز هم هست، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما می فرمایند: «شما در سطح اول لوازم ایمان گرفتارید، می گوئید: یا ابن الحسن، حضرت چگونه بیایند و در این جریان فاسد چگونه قرار است حضرت را یاری کنید؟» در جدال جلد ۱ از قول امام محمد باقر آمده: «بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غیر از سه نفر، مقداد، ابوذر و سلمان، بقیه مردم از حقیقت روی برگرداندند.» راوی گفت: عمار چه؟ که حضرت رسول فرمودند: شاخصه حق و باطل است. فرمودند: او هم انحرافی پیدا کرد ولی برگشت. حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه فرمودند: شماها به سرعت به فتنه شتافتید و توجیه شما این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفته اند و جامعه سرپرست ندارد و نکند دچار فتنه شویم! اتفاقاً شما ریشه و اصل فتنه هستید و رئوس فتنه را حمایت کردید؛ بزرگترین فتنه و آشوب عالم را شما درست کردید. می گویند به هر روشی شده به هر حال باید حاکم جامعه را تعیین کرد و جامعه

بدون سرپرست نمی تواند باشد. چه فضایی در مدینه حاکم شد که عمار هم تحت تاثیر قرار گرفت؟ آنها اهل بیت علیهم السلام را کاملاً به انزوا بردند.

نکته دوم: احراق دار و حمله به بیت وحی است، این نکته هم در منابع شیعه و هم در منابع سنی آمده؛ منابع سنی مثل طبری و انصاب و ابن ابی شیبه؛ تفاوت نقل آن ها با شیعه این است که: نقل آنها مقدمات حمله به بیت شریف را گفته اند تا این جا که خلیفه آن ها را تهدید به بیعت کرد و هیزم را جمع کرد، ولی مرحله آتش زدن را نیاوردند و همین جا متوقف شدند، ولی در منابع شیعه مثل نقل سلیمان بن انس، تفسیر عیاشی و طبری به جزئیات مسئله پرداخته شده است. حدود ۵۰ روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این جریان اتفاق افتاد؛ دو یا سه بار قبل از این اتفاق از حضرت تقاضای بیعت کردند و احراق دار در بار سوم یا چهارم بوده است: خانه امیرالمومنین علیه السلام همسایه مسجد بود و یک در ورودی به مسجد داشت، به این خانه حمله کردند، مسجد یعنی کانون اجتماعات اسلامی! گزارش شده بعضی طرفداران حضرت علی علیه السلام در منزل حضرت بودن مثل طلحه، زبیر، مقداد، سلمان، ابوذر و عباس و یا بعضی از آنها در منزل حضرت حضور داشتند و آن ها را هم مجبور به بیعت می کردند، خلیفه احساس کرده بود قرار است یک کانون و جبهه شکل بگیرد و با شدت برخورد کردند. ضربه به در و مجروح شدن حضرت زهرا سلام الله علیها و سقط جنین و درگیری با حضرت علی علیه السلام و یاران ایشان؛ دیگر به هیچ حد و مرزی پای بند نبودند. بعد از کودتای اقتصادی و ایجاد یک خفقان مطلق دیگر هیچ ضابطه و قانونی وجود ندارد، حتی ابن ابی الحدید که به او نسبت شیعه داده اند، جنایات آنها را توجیه کرده است کار به جایی می رسد که حاکمیت، به هیچ ضابطه ای مقید نیست، وقتی عمر هیزم جمع می کرد، راوی گفت: من به عمر گفتم، حتی اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها در منزل باشند باز هم منزل را آتش می زنی؟ گفت: حتی در قبال این مسئله هیچ

حرکت و اعتراض اجتماعی صورت نگرفت، در خانه ای که در شان آن آیاتی نازل شده، ولی جامعه را زمین گیر کرده بودند. جبهه باطل در مرحله سوم هم کاملاً موفق عمل کردند و هیچ کس از اهل بیت دفاع نکرد. در مقابل جبهه حق به رهبری حضرت زهرا سلام الله علیها اقداماتی انجام دادند که در جلسات بعد بیان می شود.

حوزه مجازی مهندس طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم